

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۶ اپریل ۲۰۲۵

ظاهراً ایران و امریکا از دور نخست مذاکرات مستقیم و یا غیرمستقیم خود رضایت دارند!

در ماه‌های اخیر و با به قدرت رسیدن مجدد دونالد ترامپ به ریاست جمهوری امریکا، از جمله بلوف‌های ترمپ و خامنه‌ای در رابطه با جنگ و صلح شدیدتر شده است. آن‌ها همچنین در رابطه با «عظمت» امریکا و یا «ایران» با همدیگر مسابقه می‌دهند.

شاید ترمپ فکر می‌کند اگر به قدر کافی بلوف بزند، بقیه در مقابلش عقب‌نشینی می‌کنند و بعد می‌تواند به کارهایی که واقعا می‌خواهد انجام دهد، برسد. ترمپ شخصیتی خودشیفته و خودخواه و یک دنده دارد. ترمپ یک سرمایه‌دار است و به دنبال معامله و کسب سود بیش‌تر است و خود را تنها رهبری در جهان قلمداد می‌کند که قادر است همه کار انجام دهد؛ هر جایی از جهان را خواست تسخیر کند و حرف اول و آخر را می‌زند. ثروت خامنه‌ای هم کم نیست و برای به دست آوردن میلیاردها دالر ثروت، حتی کم‌ترین زحمتی نیز نکشیده است. خامنه‌ای خود را نه تنها رهبر شیعیان ایران، بلکه جهان می‌داند. هر دو در تهدید و جنگ و خشونت و استثمار شدیدتر نیروی کار و سرکوب آزادی بیان کم نمی‌آورند. هر دو در تلاشند سیستم سرمایه‌داری و منافع حاکمیت خود را حفظ کنند و کمترین توجهی به زیست و زندگی شهروندان‌شان نمی‌دهند. تنها تفاوتی که دارند یکی کت و شلوار می‌پوشد و کراوات می‌زند و صورتش را سه تیغه می‌تراشد اما دیگری ابا و عمامه تن می‌کند و ریش دارد. اما افکار آن‌ها در بسیاری از اهداف و برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و خشونت‌طلبی و ثروت‌اندوزی مشابه همدیگرند.



ترمپ، حتی پیش از مراسم تحلیف، برای آنچه که یک «آتش‌بس حماسی» در غزه خواند، اعتبار قائل شد. او با شتاب تلاش کرد تا اوکراین و روسیه را به توقف سریع جنگ وادار کند. و در قبال ایران، ترمپ می‌خواهد ظرف دو ماه به توافقی برسد که از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند.

رویکرد رئیس‌جمهور امریکا نسبت به دو بحران جهانی پرتنش اخیر، یعنی جنگ اسرائیل در غزه؛ و جنگ سه‌ساله‌ای که بین روسیه و اوکراین در جریان است شتاب گرفته است.

در هر دو مورد، ترمپ بارها رئیس‌جمهور پیشین، بایدن را مقصر دانسته که نتوانسته مانع این بحران‌ها شود و سپس نتوانسته آن‌ها را با سرعت کافی حل کند. او در سخنرانی خود در نشست مشترک کنگره در اوایل این ماه، با افتخار گفت که «اتفاقات زیادی در خاورمیانه در حال وقوع است.» درباره جنگ در اوکراین، بی‌تابی خود را چنین ابراز کرد: «وقت آن است که این جنون متوقف شود. وقت آن است که کشتار متوقف شود. وقت آن است که این جنگ بی‌معنا پایان یابد.»

در مورد اسرائیل، ترمپ چند روز پیش از مراسم تحلیف از طریق شبکه اجتماعی خود برای یک آتش‌بس سریع فشار آورد. ترمپ به شکل خودخواهانه‌ای از تلاش‌های خود برای صلح تمجید می‌کرد و حتی به خبرنگاران گفت بابت این تلاش‌ها شایسته دریافت جایزه صلح نوبل است.

او اضافه کرد: «آن‌ها هرگز این جایزه را به من نخواهند داد.»

برخی دیگر از ناظران باسابقه سیاست خارجی امریکا گفتند که اگرچه سرعت در دیپلماسی جهانی می‌تواند مزیتی داشته باشد، اما اغلب منجر به اقداماتی می‌شود که بر پایه اطلاعات ناکافی و غلط بنا شده‌اند.

لارنس فریدمن، استاد بازنشسته مطالعات جنگ در کینگز کالج لندن، گفت مشکل تمایل رئیس‌جمهور به شتابزدگی این است که کار دقیق و اغلب طاقت‌فرسائی را که معمولاً برای یافتن راه‌حلی بلندمدت برای جنگ‌ها لازم است، نادیده می‌گیرد.

فریدمن گفت: «او فکر می‌کند اگر به قدر کافی بلوف بزند، بقیه کنار می‌کشند و بعد می‌تواند به کارهایی که واقعا می‌خواهد انجام دهد، برسد. اما چون این رویکرد بر پایه ارزیابی جدی از شرایط و مشکلات موجود بنا نشده، واقعا جواب نمی‌دهد...»

میلر گفت که ترمپ بیش‌تر به سود سیاسی کوتاهمدتی که از اعلام یک دستاورد دیپلماتیک به دست می‌آورد علاقه دارد تا به راه‌حلی پایدار و بلندمدت.

او گفت: «با شخصیتی فوق‌العاده بی‌تاب و آنی روبه‌رو هستید، جایی که سرعت، صادقانه بگویم، از خود سیاست مهم‌تر است.»

تعليق ۹۰ روزه تعرفه‌ها، تازمترین عقب‌نشینی ترمپ در لیست تصمیمات جنجالی‌اش بود. چین فشار آورد، بازارها لرزیدند و رئیس‌جمهور میلیاردر یکبار دیگر عقب کشید. نشانه‌ای دیگر از راهبردهای بی‌ثبات و شکست‌های زنجیره‌ای ترمپ در سیاست جهانی رونمایی شد.

تصمیم دونالد ترمپ برای **تعليق ۹۰ روزه اعمال تعرفه‌های جدید**، یک چرخش غیرمنتظره در سیاست اقتصادی کاخ سفید بود که کمتر از ۴۸ ساعت پس از واکنش سخت‌گیرانه چین رخ داد. پکن که پیش‌تر تنها با لفاظی به تهدیدات تعرفه‌ای امریکا پاسخ می‌داد، این‌بار در یک اقدام صریح، **تعرفه‌های واردات از امریکا را از ۳۴ به ۸۴ درصد افزایش داد.** این تصمیم، نه فقط در سطح اقتصادی، بلکه در سطح راهبردی، پیام روشنی به کاخ سفید ارسال کرد: پکن از ظرفیت‌های اقتصادی خود به‌عنوان ابزار مقابله استفاده خواهد کرد، حتی اگر هزینه‌بر باشد.

ترمپ اگرچه تلاش کرد در سخنان خود این عقب‌نشینی را به «نگرانی بیش از حد دیگران» نسبت دهد، اما شواهد حاکی از آن است که فشارهای چندجانبه، به‌ویژه از سوی چین، بازارهای مالی، و حلقه داخلی مشاوران اقتصادی‌اش، نقش اساسی در عقب‌نشینی وی ایفا کرده‌اند. از منظر توازن قوا، چین امروز دیگر آن بازیگر منفعل دهه ۹۰ میلادی نیست؛ این کشور با جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان، قدرت مداخله مستقیم در بازارهای جهانی، زنجیره تامین کالاها و حتی مناسبات ارزی دارد. بدین ترتیب، تهدید ترمپ برای افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای چینی تا سقف ۱۲۵ درصد نیز بیش از آن‌که نمایش قدرت باشد، نشانه‌ای از سردرگمی و بی‌برنامگی در راهبرد اقتصادی واشنگتن است.

این نخستین‌بار نیست که ترمپ در مواجهه با فشارهای خارجی یا پیامدهای داخلی تصمیماتش، عقب‌نشینی می‌کند. در جنگ غزه، دولت ترمپ با وجود حمایت‌های بی‌قید از تل‌آویو، پس از تشدید بحران انسانی و انتقاد افکار عمومی جهانی، سیاست رسانه‌ای‌اش را تعدیل کرد. در پرونده اوکراین، از تهدیدهای صریح علیه روسیه تا تلاش برای مذاکره مستقیم با مسکو، رفت‌وبرگشت‌های متناقضی مشاهده شد. در موضوع ایران از «فشار حداکثری» تا پیشنهاد دیدار بدون پیش‌شرط، رفتارهای ترمپ نشانی از راهبرد منسجم ارائه نمی‌داد. حتی در پرونده‌هایی به ظاهر حاشیه‌ای همچون خرید جزیره گرینلند یا بحران پاناما، کاخ سفید تحت رهبری ترمپ الگویی از تصمیم‌گیری خلق‌الساعه، بدون محاسبات دقیق هزینه-فایده نشان داده است.

تعلیق ۹۰ روزه تعرفه‌ها هرچند ممکن است در ظاهر فرصتی برای مذاکره تلقی شود، اما در واقع نشانه‌ای از ضعف استراتژیک ایالات متحده در مواجهه با یک بحران چندوجهی اقتصادی و دیپلماتیک است. چین با هوشمندی، به‌جای ورود به جدال کلامی، از ابزارهای عینی استفاده کرده و با افزایش تعرفه‌ها، سیگنال قدرت و ایستادگی ارسال کرده است.

اکنون رئیس‌جمهور امریکا، ضمناً تهدید کرد که مسئله فعالیت هسته‌ای ایران، از یکی از دو راه «توافق» یا «اقدام نظامی» حل خواهد شد؛ اگرچه او افزود که توافق را ترجیح می‌دهد.

آیا ترمپ آن‌گونه که تهدید کرده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کند یا به‌عنوان یک تاجر ترجیح می‌دهد «معامله» را از کانال‌های موازی پیش ببرد؟

ترمپ کمتر از ۲۴ ساعت سه موضع درباره ایران گرفت؛ نقشه او پس از رد مذاکره از سوی ایران چه خواهد بود؟

دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور امریکا، در روزهای نخست بازگشت به کاخ سفید، بار دیگر سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران را با امضای یادداشت ریاست جمهوری احیا کرد. این اقدام در حالی صورت گرفت که او همزمان از تمایل خود برای مذاکره مستقیم با تهران سخن می‌گفت. این تناقض ظاهری در مواضع ترمپ، سؤالات متعددی را درباره اهداف واقعی واشنگتن، احتمال حمله نظامی و پیامدهای احتمالی آن برجسته کرده است.

ترمپ در کمتر از ۲۴ ساعت، سه موضع متفاوت درباره ایران اتخاذ کرد:

۱. امضای یادداشت فشار حداکثری با هدف «جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و کاهش صادرات نفت کشورمان به صفر»

۲. ابراز تمایل برای مذاکره با رئیس‌جمهور ایران و اشاره به امکان توافق هسته‌ای «قابل راستی آزمایی»

۳. هماهنگی با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای مقابله با ادعای «تهدیدات منطقه‌ای ایران»

این رویکرد چندگانه ترمپ، از سوی تحلیل‌گران به‌عنوان «دیپلماسی قهری» تفسیر شده است؛ استراتژی که هدف آن وادار کردن تهران به پذیرش خواسته‌های واشنگتن از طریق ترکیب تحریم‌های شدید و گشایش‌های مذاکره است. ترمپ در مصاحبه هایش تاکید کرد: «ما حق داریم فروش نفت ایران را مسدود کنیم اما ترجیح می‌دهم به توافق برسیم.»

واشنگتن از متحدان اروپائی خواسته تا تحریم‌های «مکانیسم ماشه» را فعال کنند. امریکا برای اجرای این سناریو به دنبال اجماع سازی علیه ایران بین کشورهای اروپائی از مسیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، ادعا کرد که «فشار حداکثری تجربه‌ای شکست خورده است و تکرار آن نتیجه دیگری ندارد» در همین راستا مقامات جمهوری اسلامی داستان همیشگی خود را تکرار کردند و گفتند: «طبق فتوای مذهبی رهبر انقلاب، تولید سلاح هسته‌ای حرام است.»

این در حالی است که اگرچه قبل از تهدیدات ترمپ علیه جمهوری اسلامی ایران، مسعود پزشکیان، در اظهاراتی با بیان این‌که «تهران آماده مذاکره اصولی بدون پیش شرط است اما لغو تحریم‌ها ضروری است»، چارچوب هر مذاکره‌ای را منوط به نتیجه بخش بودن آن با لغو تحریم‌ها دانسته بود.

استیون کی. بنن، استراتژیست پیشین دولت ترمپ، در مصاحبه‌ای گفت: «از لحاظ ژئوپلیتیکی، فقط گاز است، هیچ ترمزی در کار نیست.» او گفت رئیس‌جمهور در حال اعزام دستیارانی است چیزی که «نیروهای ضربتی» می‌نامد. تا با همان سرعتی که ایلان ماسک و وزارتخانه کارآمدی دولت را در درون دولت فدرال مستقر کرده، با بحران‌های جهانی روبه‌رو شوند.

بنن گفت: «آنچه او از لحاظ ژئواستراتژیک و ژئواقتصادی انجام می‌دهد، خیلی خیلی فراتر از کاری است که در داخل انجام می‌دهد. اگر به کل ماجرا نگاه کنید، روشی ژرف در پس جنون او وجود دارد، چیزی که معنا دارد و بزرگترین تأثیرش بر امنیت ملی خواهد بود.»

در تحلیل وال‌استریت ژورنال آمده که ایران به دلیل فشار اسرائیل در ضعیف‌ترین وضعیت خود در چند دهه اخیر قرار دارد. اما این حکومت قبلاً هم ضعیف شده بود و همیشه توانسته است خود را احیا کند؛ گاه با مذاکرات پایان‌ناپذیر و گاه با چهره‌هایی که قول صلح می‌دهند.

به نوشته این روزنامه، این تاکتیک در زمان اوپاما جاباد داد. او نامه‌هایی به خامنه‌ای نوشت و در نهایت توافق «بدی» را امضا کرد که راه ایران را به سوی سلاح هسته‌ای هموار می‌کرد. بایدن نیز برای راضی کردن ایران از اعمال تحریم‌ها دست کشید، در نتیجه صادرات نفت ایران از ۳۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ به ۱/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۴ افزایش یافت. اما در مقابل، ایران جنگی هفت‌جبهه‌ای را علیه اسرائیل آغاز کرد و پیشرفت بیشتری در برنامه هسته‌ای خود به دست آورد.

با این حال، درگیری‌های نظامی با اسرائیل، ایران را ضعیف‌تر از همیشه کرده است به‌طوری که دیگر قادر به آسیب زدن به «شیطان کوچک» نیست و هیچ قدرتی برای توقف آن ندارد. اسرائیل بهترین سامانه‌های دفاع هوایی ایران را که برای جلوگیری از حمله بزرگ طراحی شده بود، نابود کرد و برنامه هسته‌ای ایران را بی‌دفاع گذاشت. بسیاری از نیروهای نیابتی ایران نیز به شدت تضعیف شده‌اند. حماس به نابودی کشیده شده، حزب‌الله بی‌هدف و زرادخانه‌اش ویران شده و حکومت اسد در سوریه دیگر وجود ندارد.

ایران با تورم ۴۰ درصدی مواجه است و از سال ۲۰۱۸ تاکنون ۹۵ درصد از ارزش پول ملی خود را از دست داده است. هفته گذشته، تهران وزیر دارائی خود را استیضاح کرد و او را قربانی بحران اقتصادی ساخت.

همه این‌ها به این معناست که اگر امریکا به دنبال توافقی جدید است، باید برای توافقی فشار بیاورد که، به گفته ترمپ، «در حد پیروزی نظامی باشد.»

چالش اصلی این است که آیا ایران حاضر است برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اجازه بازرسی‌های بدون محدودیت را بدهد و اورانیوم غنی‌شده خود را از بین ببرد. (و نه این‌که آن را برای نگهداری به روسیه بفرستد) اگر جمهوری اسلامی ایران این کار را نکند، نشان‌دهنده قصد آن برای ادامه مسیر دستیابی به بمب است تا در زمان مناسب گریز هسته‌ای انجام دهد. وال‌استریت ژورنال می‌نویسد راه رسیدن به یک توافق مطلوب، اعمال «فشار حداکثری» است؛ همان سیاستی که بار اول برای ترمپ جواب داد. رئیس‌جمهور ایران همین حالا از این شکایت دارد که به دلیل تحریم‌ها، کشتی‌هایش «در بنادر گیر افتاده و قادر به تخلیه بار خود نیستند». روز شنبه، امریکا معافیت تحریمی ۱۰ میلیارد دلاری برای فروش برق ایران به عراق را نیز لغو کرد.

وزیر خزانهداری امریکا، اسکات بسنت نیز ابراز اطمینان کرد که تحریم‌های ایران می‌تواند اقتصاد این کشور را که در حال فروپاشی است، به‌طور کامل نابود کند. اکنون او نیاز به مجوز دارد تا صادرات نفت ایران به چین را متوقف کند. ترمپ همچنین می‌تواند اجازه دهد که تعدادی از خلبانان اسرائیلی با بمبافکن‌های استراتژیک امریکا تمرین کنند، امری که به نوشته تحلیل‌گر وال‌استریت ژورنال، به‌مثابه پیامی روشن خواهد بود.

نخایر ارزی ایران که در سال ۲۰۲۰ به ۴ میلیارد دلار کاهش یافته بود، در دوران بایدن به ۳۰ میلیارد دلار رسیده است. هدف حکومت ایران این است که ترمپ را متقاعد کند که همان مسیر دوران بایدن را در پیش بگیرد و با کاهش تحریم‌ها یا لغو تحریم‌های بیشتر، به اقتصاد ایران فرصت بازیابی بدهد.

وال‌استریت ژورنال می‌نویسد جمهوری اسلامی بارها نشان داده است که بیش‌تر به دنبال صدور انقلاب است تا ساختن یک خاورمیانه آباد و مرفه. این کشور همواره در جنگی علیه اتحاد منطقه‌ای امریکا بوده است و این بار در حال شکست خوردن است. اگر ایران نتواند ترمپ را فریب دهد، امریکا و اسرائیل فرصتی کمیاب در اختیار دارند تا از این شرایط به نفع خود بهره ببرند.

ترمپ تهدیدهای خود علیه ایران را به دلیل آن‌چه ارتباط با حوثی‌ها عنوان کرد، شدت بخشید و گفت: «از این لحظه به بعد، هر شلیکی که توسط حوثی‌ها انجام شود، به‌عنوان شلیکی از سوی سلاح‌ها و تحت هدایت ایران تلقی خواهد شد و ایران مسؤول آن شناخته خواهد شد.»

ترمپ در پستی در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: «از این لحظه به بعد، هر شلیکی که توسط حوثی‌ها انجام شود، به‌عنوان شلیکی از سوی سلاح‌ها و تحت هدایت ایران تلقی خواهد شد و ایران مسؤول آن شناخته خواهد شد و عواقب آن را خواهد دید و این عواقب بسیار شدید خواهند بود!» سخن‌گوی کاخ سفید نیز ضمن تکرار مواضع ترمپ گفت: «پیام ما به ایران این است که هشدارهای ترمپ را جدی بگیرید.»

قدرت‌نمائی و بلوف‌های علی خامنه‌ای!

حکومت خامنه‌ای در تنگنای بحران‌های بی‌امان دست‌وپا می‌زند؛ از هشدارهای تند دونالد ترمپ درباره نابودی برنامه هسته‌ای گرفته تا انزوای روزافزون در منطقه. خامنه‌ای که به‌خوبی می‌داند شیرازه نظامش در حال از هم پاشیدن است، چاره‌ای ندارد جز این‌که با تاکتیک‌های دوگانه به میدان بیاید، از یک سو با بلوف‌های تبلیغاتی و قدرت‌نمائی‌های پوشالی زمان بخرد، و از سوی دیگر در خفا، مقابل طرف‌های خارجی نرمش نشان دهد. اما آنچه پشت پرده در محضر «محرمین منطقه» در عمان می‌گذرد، چیزی جز ضعف و عجز نیست؛ تلاشی پنهان برای کشاندن امریکا به مذاکره غیرمستقیم و گریز از موج سهمگینی که می‌تواند رژیم را غرق کند.

برای اجرای این بازی، هر روز یکی از عوامل حکومتی طرح راه مطرح می‌کنند. محمدتقی رهبر، عضو شورای مرکزی جامع روحانیت به اصطلاح مبارز، بود که در ۱۲ فروردین ۱۴۰۴، از تربیون خبرگزاری حکومتی ایسنا فریاد زد: «ترمپ دیوانه خیال‌پردازی می‌کند و فکر می‌کند ایران از بلوف‌هایش می‌ترسد، اما آقا جواب محکمی دادند. ایشان تاکید کردند اگر کوچکترین تعرضی به ایران شود، کلیه منابع و منافع امریکا و پایگاه‌هایش در منطقه و جهان هدف قرار خواهد گرفت.»

بلوف هرچه بزرگتر باشد، باورش بیش‌تر است؟!

این آخوند حکومتی، احتمالاً ناخواسته پرده از نیت اصلی برمی‌دارد و می‌گوید: «رهبر متذکر شد چند روز قبل توان موشکی و پهبادی ایران در سوله‌های زیرزمینی از تلویزیون به نمایش گذاشته شد. این اقدام برای مردم شایان توجه و مایه دلگرمی فراوان است.»

هدف واقعی خامنه‌ای و عواملش از این لاف‌ها، دل‌گرم کردن نیروهای حکومتی است که به قول خودشان ته دل‌شان خالی شده و در حال قالب تهی کردن هستند. سرداران سپاه پاسداران خامنه‌ای هم که غرق در فساد هستند، دیگر نای جنگیدن ندارند. این نمایش‌های پوشالی فقط برای سرپا نگه داشتن روحیه این جماعت ترتیب داده شده است.

علی خامنه‌ای، درباره موشک‌پراکنی‌ها و بمباران‌ها بین اسرائیل و ایران، به‌طوری ضمنی به شکست تهران در حمله ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ به اسرائیل اشاره کرد و گفت: «مسئله تعداد موشک‌های شلیک شده، یا موشک‌هایی که به هدف اصابت کرده‌اند، ثانویه است. مساله اصلی، ظهور اراده ملت ایران و نیروهای مسلح در عرصه بین‌المللی است.»

این حمله در پاسخ به «حمله اسرائیل» به مجتمع دیپلماتیک ایران در سوریه بود که در آن دو فرمانده ارشد سپاه و چند نفر دیگر از جمله یکی از اعضای حزب‌الله لبنان کشته شدند.

بنابر ویدیوهای منتشر شده از حمله ۱۳ آوریل ۲۰۲۴، موشک‌ها از مناطق مختلفی از جمله حومه تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، همدان، اراک و کرمانشاه به دستور مستقیم حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران به سوی اسرائیل پرتاب شدند.

تصاویری که از این حملات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد که موشک‌ها از پرتابگرهای قابل جابجایی نصب شده بر کامیون پرتاب شدند و پهبادهای انتحاری شاهد از روی پایه و یا از پشت چند وانت به هوا برخاستند.

بنابر تحقیق پروژه کنترل سلاح‌های هسته‌ای ویسکانسین، پهبادهای مثلثی شکل «شاهد» پیش از موشک‌ها پرتاب شدند و ساعت‌ها طول کشید تا به مقصدشان برسند.

پس از آن‌ها موشک‌های کروزر «پاوه» پرتاب شدند که زمان کمتری برای طی مسیر نیاز داشتند و در آخر هم موشک‌های بالستیک «عماد»، «قدر» و «خیبر شکن» پرتاب شدند که تنها به چند دقیقه زمان برای رسیدن به اهدافشان نیاز داشتند. چندین پهباد و موشک نیز از سوی یمن و از جانب شبه‌نظامیان حوثی به اسرائیل پرتاب شد.

بر اساس تخمین مقامات اسرائیلی، جمهوری اسلامی ایران در این حمله ۱۷۰ پهباد، ۳۰ موشک کروزر و ۱۲۰ موشک بالستیک استفاده کرد.

نیروهای ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و اردن این پرتابه‌ها را سرنگون کردند. امریکا مدعی است که ۸۰ پهباد انتحاری و دست‌کم شش موشک را سرنگون کرده است. همچنین سیستم پدافند هوایی اسرائیل نیز فعال بود و ارتش این کشور مدعی است که ۹۹ درصد از پرتابه‌ها را سرنگون کرده است.

فابین هاینتز، کارشناس موشک و محقق موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی می‌گوید: «این حمله صراحتاً نمادین نبود و در انجام آن از وارد آوردن خسارات هیچ اجتنابی صورت نگرفته بود. بلکه حمله‌ای گسترده برای غلبه بر سامانه دفاعی اسرائیل بود.»

به گفته یک مقام امریکائی، بنابر ارزیابی‌های ایالات متحده ۵۰ درصد از موشک‌های ایران یا در هنگام پرتاب دچار مشکل شدند و یا در مسیر و پیش از نزدیک شدن به هدف سقوط کردند.»



موشک بالستیک ایرانی که در اسرائیل سرنگون شده است: AP Photo

جمهوری اسلامی ایران ادعا کرده بود که در حملات ۱۳ آوریل، پایگاه هوایی «نواتیم»، واقع در صحرای نقب در ۶۵ کیلومتری جنوب اورشلیم (بیت‌المقدس) را هدف قرار داده است. کارشناسان مرکز مطالعات مرتبط با عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی جیمز مارتین این ادعا را نیز مورد مطالعه قرار دادند.

پایگاه هوایی نواتیم در پی حمله هوایی به ساختمان دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در دمشق مورد توجه قرار گرفت. زیرا حسین اکبری، سفیر جمهوری اسلامی در سوریه مدعی شد که جنگنده‌های اف-۳۵ اسرائیل که در پایگاه هوایی نواتیم مستقر هستند، این حمله را انجام داده‌اند.

البته تهران پیش‌تر هم در ویدیوهای تبلیغات نظامی از این پایگاه نام برده بود. جمهوری اسلامی در ماه فوریه ویدیوئی از تمرین نظامی سپاه پاسداران منتشر کرد که در آن ماکت آشیانه اف-۳۵ها پایگاه هوایی نواتیم را هدف قرار می‌دهد. بنابر تصاویر ماهواره‌ای و تصاویر منتشر شده توسط ارتش اسرائیل، دست‌کم چهار موشک جمهوری اسلامی به این پایگاه برخورد کرده است.

بقایای موشک‌ها که از «دریای مرده» جمع‌آوری شده، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از موشک عماد برای حمله به نواتیم استفاده کرده است. موشک عماد که از سوخت مایع استفاده می‌کند، نوعی از موشک شهاب-۳ است که بر اساس طرح یک موشک تولید کره شمالی ساخته شده و برد آن دو هزار کیلومتر گزارش شده است.

به گفته تحلیل‌گران، این موشک‌ها احتمالاً از نزدیکی شیراز پرتاب شده‌اند.

تحلیل‌گران بر اساس تمرکز جمهوری اسلامی بر آشیانه اف-۳۵ها در پایگاه هوایی نواتیم، بر این باورند که هدف مورد نظر برای حمله به این فرودگاه همین آشیانه بوده است. این نقطه همچنین به مرکز این پایگاه هوایی نزدیک است. لائیر می‌گوید: «این هدف بسیار ارزشمندتر از تنها ایجاد سوراخ‌هایی بر جاده است، اما هیچ‌کدام از موشک‌های ایرانی به هدف برخورد نکرد.»

با فرض این که هدف آشیانه جنگنده‌های اف-۳۵ بوده است، کارشناسان فاصله مناطق برخورد موشک‌ها با این آشیانه را بررسی کردند. در نتیجه این بررسی مشخص شد که «خطای دایره‌ای محتمل»، یعنی شعاع برخورد بیش از ۵۰ درصد این موشک‌ها به صورت میانگین برابر با ۱.۲ کیلومتر است و این مقدار بسیار ضعیف‌تر از خطای دایره‌ای محتمل ۵۰۰ متری است که بیشتر برای موشک‌های عماد تخمین زده شده بود.

به گفته هاینتز، در پی پایان مدت ممنوعیت وضع شده از جانب سازمان ملل بر فروش تسلیحات ایران، تهران موشک‌های عماد را با خطای دایره‌ای ۵۰ متری تبلیغ می‌کرد که این میزان برابر برترین موشک‌های تولید شده در جهان است. اما نتیجه حملات ماه آوریل حتی نزدیک به این مقدار هم نیست.

لانیئر می‌گوید: «این یعنی عماد از هر تخمین پیشینی نادقیق‌تر است. یعنی ایرانی‌ها چندین نسل از ارزیابی‌های پیشین (درباره توانائی موشکی‌شان) عقب‌تر هستند.» این عملکرد ضعیف می‌تواند مربوط به اقدامات جنگ الکترونیکی که برای انحراف موشک‌ها به کار گرفته شده است، خرابکاری احتمالی و یا طراحی ضعیف موشک باشد. به غیر از منتفی شدن عملیات وعده صادق ۳، ضربات سنگین وارده به حماس و حزب‌الله لبنان و سقوط حکومت بشار اسد نیز از نظر بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و مردم عادی ایران، تضعیف بی‌سابقه جمهوری اسلامی در منطقه بوده است.

فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران

کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی و مشاور علی خامنه‌ای، یکشنبه ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴، در گفت‌وگو با شبکه قطری «الجزیره» درباره توانائی‌های جمهوری اسلامی برای ساخت بمب گفت که ایران توانائی‌های فنی ساخت بمب هسته‌ای را دارد ولی قصد انجام آن را ندارد. وی افزود «تنها در چند روز سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به سادگی می‌توان آن را به ۹۰ درصد رساند.» شکی در این نیست که جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۲، که اپوزیسیون ایرانی «شورای ملی مقاومت» فاش کرد که این حکومت در صدد ساختن بمب اتم هست، ایران همواره تلاش داشته که به بمب اتم دست یابد و آن را با بقای خود گره بزند. به همین دلیل هم حکومت هیچ‌گاه خود یک سایت اتمی را اعلام نکرده و تنها توسط اپوزیسیون ایران و یا دیگر مراجع افشا شده است.

بین سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۲۰ اپوزیسیون ایرانی «مجاهدین خلق» هفت سایت را با استفاده از شبکه‌های داخل خود افشا نمود که در آن مهندسی ماشه طراحی و ساخته می‌شد و هنوز جمهوری اسلامی ایران اجازه دستیابی به این سایت‌ها را به آژانس نداده است.

همچنین بین سال‌های ۱۹۹۲ الی ۲۰۱۷ سایت‌هائی توسط اپوزیسیون ایرانی افشا شد که در آن حامل بمب اتمی در حال ساخته شدن هست.

این افشاگری‌ها و سپس قطع‌نامه‌های ۲۳۲۲ سازمان ملل اگرچه گاه توقف و یا کند شدن برنامه‌ای هسته‌ای ایران را باعث شده اما رژیم ایران هیچ‌گاه برنامه هسته‌ای را که بنا به گفته روزنامه‌های حکومت بیش از ۳۲ میلیارد دالر به اقتصاد ایران زیان رسانده از آن دست نشسته است.

نامه‌های رد و بدل شده بین ایران و امریکا

در نامه‌ای که در اوایل مارس ارسال شد، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا از آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران خواسته تا بر سر یک توافق جدید مذاکره کند؛ توافقی که جایگزین برجام، یعنی توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میان ایران، امریکا و پنج قدرت جهانی دیگر شود.

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود از برجام خارج شد و حالا دو ماه به ایران مهلت داده بود تا به توافق جدیدی برسد؛ در غیر این صورت، تهدید کرده که کشور را بمباران خواهد کرد. در روزهای اخیر نیز بمب‌افکن‌های بی-۲ و ناوهای جنگی امریکا برای نمایش قدرت به منطقه اعزام شده‌اند.

در پاسخ، جمهوری اسلامی، جواب نامه ترمپ را داد و تنها با مذاکرات «غیرمستقیم» موافقت کرده و گفته تا زمانی که سیاست «فشار حداکثری» امریکا ادامه داشته باشد، گفت‌وگوی مستقیم ممکن نیست.»

سرانجام، نمایندگان طرفین در مسقط پایتخت عمان به مذاکره نشستند. گفت‌وگوهای ایران و امریکا به میانجی‌گری «سید بدر البوسعیدی» وزیر خارجه عمان برگزار شد. عباس عراقچی و استیو ویتاکف نمایندگی گروه مذاکره کننده دو کشور را بر عهده داشتند. بعد از پایان گفت‌وگوها، هر دو طرف با اعلام رضایت از نتیجه مذاکرات، توافق کرده‌اند که مذاکرات در روز شنبه هفته آینده ادامه داشته باشد.

این مذاکره حدود دو ساعت و نیم به طول انجامید. اما در پایان هر دو طرف از نتایج نشست خود اعلام رضایت کردند. یک رسانه نزدیک به مقام‌های امریکائی جزئیاتی از مذاکرات شنبه گذشته در مسقط منتشر کرد که نشان می‌دهد در آن روز «بخش مستقیم» ۴۵ دقیقه‌ای هم وجود داشته است.

لحن مقام‌های جمهوری اسلامی در توصیف آنچه روز شنبه گذشته در مسقط رخ داد بسیار مثبت و خوشبینانه است. در واشنگتن هم به‌نظر می‌رسد آن‌هائی که به دولت ترمپ نزدیکند یا مناصب کلیدی دارند از آنچه تا کنون رخ داده است رضایت دارند.

پس از گذشت دو روز از دور نخست مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و امریکا که در مسقط عمان برگزار شد، همچنان روایات متناقضی از آنچه در این گفت‌وگوها اتفاق افتاد و درخواست‌های طرفین منتشر می‌شود. تهران تایمز شامگاه دوشنبه مدعی شد که به «اطلاعات جدیدی» درباره جزئیات این مذاکرات دست یافته است.

به گزارش تهران‌تایمز، طی این مذاکرات که در ساعت ۱۵ روز شنبه ۱۲ آوریل به میانجی‌گری بدر بن حمد البوسعیدی، وزیر خارجه عمان در مسقط، پایتخت این کشور برگزار شد، کمتر از ۱۰ پیام مکتوب میان هیأت ایرانی و امریکائی مبادله شد و نخستین پیام را نیز عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران که هدایت هیأت مذاکره‌کننده ایرانی را بر عهده داشت، ارسال کرد.

این درحالی است که اکسیوس روز یکشنبه طی گزارشی اعلام کرده بود که دولت دونالد ترمپ، رئیس‌جمهوری امریکا به دلیل این که مذاکرات روز شنبه طبق برنامه پیش رفت و هدف اصلی آن یعنی تغییر چارچوب مذاکرات از غیرمستقیم به مستقیم محقق شد، از دور نخست این گفت‌وگوها ابراز رضایت کرده است.

این در حالی است که به گزارش اکسیوس، مذاکرات در فضای بی‌اعتمادی آغاز شد و هیأت ایرانی با اشاره به خروج دونالد ترمپ از برجام در دور نخست ریاست‌جمهوری، ابراز نگرانی کردند که امریکا ممکن است دوباره نیز از توافق جدید خارج شود. طرف امریکائی نیز تردیدهائی را درباره نیت جمهوری اسلامی ایران از برنامه هسته‌ای مطرح کرد. با این حال دو طرف پس از چند ساعت مذاکره اعلام کردند که مسیر پیشرفت وجود دارد.

به گزارش تهران‌تایمز، جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات همچنین اعلام کرده است که واشنگتن باید جلوی فعال‌سازی مکانیزم ماشه را از جانب تروئیکای اروپائی بگیرد.

بنابر این گزارش، ویتکاف در مورد برجیدن برنامه هسته‌ای ایران و یا بازگشت امریکا به برجام حرفی نزده است. پیش‌تر نیز رسانه امواج در گزارشی اعلام کرده بود که ویتکاف در جریان این مذاکرات پیش‌نویسی ارائه کرده است که در آن هیچ اشاره‌ای به «برجیدن» برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نشده است.

به گزارش اکسیوس به نقل از یک منبع آگاه، انتظار امریکا از جمهوری اسلامی ایران برداشتن گام‌های مشخص برای فاصله گرفتن از برنامه هسته‌ای نظامی بوده است. بنابر این گزارش، یکی از راه‌های مطرح شده، رقیق‌سازی ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد جمهوری اسلامی ایران بود.

همزمان با آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا، مسؤولان دانشگاه تهران، پرچم ایالات متحده را در ورودی دانشکده حقوق و علوم سیاسی با «موکت» پوشاند تا از لگدمال شدن آن جلوگیری کنند.

طی روزهای اخیر تصاویری از پاک کردن دیوارنگاره‌های حاوی شعارهای ضدآمریکائی در تهران در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی داغ شده است.

درواقع این ترمپ بود که ابتدا در خواست مذاکره داد و جمهوری اسلامی هم به این درخواست پاسخ مثبت داد و مذاکرات شروع شد.

بر اساس گزارش اختصاصی آکسیوس، دولت ترمپ هم از روند مذاکرات در عمان رضایت دارد و به دنبال انتقال مذاکرات از مسقط به رم و تغییر از مذاکرات غیرمستقیم به مستقیم است.

اما در این گزارش، آمده است که استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا، و عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در مذاکرات شنبه گذشته در مسقط حدود ۴۵ دقیقه به صورت مستقیم گفت‌وگو کرده‌اند؛ گفت‌وگویی که مدت آن بیش‌تر از چیزی بود که در ابتدا اعلام شد. یکی از منابع مطلع آن را «مهم، جدی و عالی» توصیف کرده است.

روایت عراقچی از این بخش مستقیم وقایع روز شنبه مسقط اما این بود که در حد «سلام و احوال‌پرسی» و برای «به جا آوردن آداب دیپلماتیک» در پایان مذاکره با ویتکاف صحبت کرده است.

در گزارش اکسیوس آمده است که مقامات ایرانی از خروج دولت ترمپ از توافق پیشین (برجام) انتقاد و نسبت به امکان تکرار این رفتار ابراز نگرانی کردند. در مقابل، طرف آمریکائی نیز نسبت به نیات ایران در مورد ماهیت برنامه هسته‌ای‌اش تردیدهایی را مطرح کرده است.

دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز یکشنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران در هواپیمای اختصاصی ریاست‌جمهوری اعلام کرد که به‌زودی درباره ایران تصمیم‌گیری خواهد کرد. او گفت:

ترمپ همچنین روز یکشنبه جلسه‌ای با استیو ویتکاف برگزار کرد تا در جریان جزئیات مذاکرات قرار گیرد. ویتکاف همچنین گزارش کاملی از گفت‌وگوها را در اختیار ران درمر، وزیر امور استراتژیک اسرائیل، قرار داده است. به گفته مقامات اسرائیلی، آن‌ها همچنان به نتیجه‌بخش بودن مذاکرات بدبین هستند و به دولت آمریکا فشار می‌آورند تا در صورت شکست مذاکرات، گزینه نظامی را به صورت جدی روی میز داشته باشد.

یکی از مسائل اصلی مطرح‌شده در مذاکرات، مسأله غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم توسط ایران است. منابع آمریکائی گفته‌اند که واشنگتن انتظار دارد ایران در آینده نزدیک گام‌هایی برای کاهش سطح غنی‌سازی بردارد. یکی از این گام‌ها می‌تواند «رقیق‌سازی» (downblending) ذخایر اورانیوم با غنای بالا باشد که اکنون طبق برخی برآوردها می‌تواند برای ساخت تا شش بمب هسته‌ای کافی باشد.

در مقابل، سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرده که هدف اصلی تهران، برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی است.

همزمان با تحولات سیاسی، آمارهای تازه نشان می‌دهد که واردات نفت خام چین از ایران در ماه مارس به بالاترین سطح خود از اوت ۲۰۲۳ رسیده است. طبق داده‌های گمرک چین، واردات نفت در این ماه به ۱۲/۱ میلیون بشکه در روز رسیده است که ۱۳ درصد آن از ایران بوده. این افزایش می‌تواند نشانه‌ای از امید بازارها به کاهش احتمالی تحریم‌ها و افزایش صادرات رسمی نفت ایران باشد.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم قرار است طی روزهای آینده به تهران سفر کند تا درباره نظارت‌های فنی و راستی‌آزمایی در تاسیسات هسته‌ای ایران گفت‌وگو کند. این دیدار می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در مسیر مذاکرات رم ایفا کند.

از سوی دیگر، امریکا موضعی صریح اتخاذ کرده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، روز جمعه اعلام کرد: «ایران نباید هرگز به سلاح هسته‌ای دست یابد.» او در جمع خبرنگاران در هواپیمای ریاست‌جمهوری افزود: «من می‌خواهم ایران کشوری عالی، قدرتمند و شاد باشد، اما نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست یابد.»

استیو ویتکاف نیز در گفت‌وگو با روزنامه وال‌استریت ژورنال گفت که خط قرمز دولت ترامپ، جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای است. او تاکید کرد که «حذف کامل برنامه هسته‌ای» خواسته اصلی واشنگتن در این مذاکرات است، اما در عین حال احتمال ارائه‌ی برخی امتیازها و رسیدن به «رامحل میانه» را نیز رد نکرد.

به‌گفته ویتکاف، این دور نخست مذاکرات بیش از آن‌که روی جزئیات توافق متمرکز باشد، تلاشی برای «اعتمادسازی» و ایجاد زمینه برای گفت‌وگوهای موثر در آینده است.

این مذاکرات در شرایطی انجام می‌شود که تحولات منطقه به‌شدت در حال تغییر است. جنگ‌های اخیر در غزه و لبنان، دو متحد اصلی جمهوری اسلامی ایران -یعنی حماس و حزب‌الله- را تضعیف کرده‌اند و حملات هوایی مستمر امریکا، گروه انصارالله (حوثی‌های یمن) را نیز تحت فشار قرار داده است.

اما در عین حال ترامپ فردی خودشیفته و عجول است و ممکن است دست به کارهای عجیب و غریبی بزند. او روز دوشنبه ۲۵ فروردین در دیدار با همتای ال‌سالوادوری خود در کاخ سفید گفت: ایران باید از هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای دست بردارد، در غیر این صورت با عواقب سختی روبه‌رو خواهد شد که می‌تواند شامل حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای تهران باشد.

رئیس‌جمهور امریکا در پاسخ به پرسش خبرنگاران که آیا پاسخ بالقوه می‌تواند شامل حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران باشد، گفت: «البته که این‌طور است.»

او اظهار داشت: «آن‌ها افرادی رادیکال هستند و نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند.» ترامپ افزود: «مشکلی با ایران داریم» که به گفته او «حل آن تقریباً آسان است و آن را حل خواهیم کرد.»

ترامپ با اشاره به دور دوم مذاکرات ایالات متحده و ایران که قرار است روز ۳۰ فروردین در رم، پایتخت ایتالیا، برگزار شود، تصریح کرد: «شنبه یک دیدار دیگر داریم... این خیلی طولانی است.»

او افزود: «ایران می‌خواهد با امریکا معامله کند اما نمی‌داند چگونه. آن‌ها دارند ما را سر کار می‌گذارند، زیرا به مذاکره با افراد نادان در این کشور (ایالات متحده) عادت کرده بودند.»

ترامپ در زمینه مذاکرات تاکید کرد که جمهوری اسلامی باید سریع عمل کند، زیرا به دستیابی به سلاح اتمی نزدیک است.

رئیس‌جمهور امریکا اظهار داشت: «ایران می‌تواند کشور بزرگی باشد مادامی که سلاح هسته‌ای نداشته باشد.»

ترامپ بعد از این نشست گفته بود که «مذاکرات خوب پیش می‌رود.» او بامداد دوشنبه نیز به خبرنگاران گفت که با مشاوران خود درباره ایران گفت‌وگو کرده و انتظار دارد به زودی در این زمینه تصمیم‌گیری کند.

با وجود این که بسیاری از مردم منتظرند تحریم‌ها برداشته شود و با ارزان شدن نسبی قیمت‌های مورد نیازشان در بازار، نیم‌نفسی بکشند. اما سه‌گرایش در داخل و خارج، از توافق ایران و امریکا قطع فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و برداشته‌شدن تحریم‌ها و جنگ نشدن به شدن ناراحتند:

نخستین گروه مخالف مذاکره امریکا و ایران گرایشات درونی جمهوری اسلامی است. گروه دوم، دولت اسرائیل و در راس همه بنیامین نتانیاهو است که در آخرین تلاش برای مانع تراشی در مسیر مذاکره ترامپ شخصا عازم کاخ سفید شد، اما چیزی دستگیرش نشد.

گروه سوم سلطنت طلب‌ها هستند که هر نوع مذاکره بین ایران و آمریکا را به ضرر خود دانسته و به جای مذاکره، خواهان حمله نظامی به ایران آمریکا و اسرائیل به ایران هستند.

سفر رضا پهلوی به اسرائیل و تاکیدش بر این‌که سر مار در تهران است باید سر مار را کوبید (در بهار و پائیز سال قبل) و دیدار با بنیامین نتانیاهو.

سعید قاسمی‌نژاد، مشاور ارشد رضا پهلوی، صریحا از حمله نظامی اسرائیل به ایران دفاع می‌کند و به ارتش اسرائیل هم توصیه می‌کند چه مراکزی را در حمله به ایران هدف قرار دهد، بنابراین ادعای مخالفت رضا پهلوی با حمله نظامی اسرائیل به ایران باور کردنی نیست.

مشاور او، مدافع جنگ است و نظرش را صریحا نوشته و حتی گفته است اگر ایران در جنگ ویران شود، باکی نیست چرا که پهلوی یک ایران ویران را تحویل می‌گیرد و از آن گلستانی خواهد ساخت!

سایر نزدیکان رضا پهلوی هم که قبلا صریحا مخالف جنگ بودند، در شرایط فعلی سکوت کرده‌اند و صرفا می‌گویند اگر کشور در آستانه جنگ قرار گرفته، علتش سیاست‌های جمهوری اسلامی است.

برخی از مشاوران و طرفداران جدید و پر سر و صدای رضا پهلوی، قبلا در ردیف حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی بودند.

در مجموع، سلطنت‌طلبان متوجه‌اند که اولاً پایگاه چنداین در جامعه ایران ندارند در نتیجه قدرت بسیج سیاسی ندارند و نمی‌توانند به جنبشی و اعتراضی دامن بزنند. ثانياً اگر در ایران با اهداف و رهبری و مبارزه جنبش‌های اجتماعی و در راس همه جنبش کارگری انقلاب شود و جمهوری اسلامی سرنگون گردد گرایشات بورژوائی و در راس هم پهلوی‌چی‌ها با مخالفت اکثریت مردم و نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و کمونیست ایران مواجه خواهند شد که به‌طور کلی مخالف احیای سلطنت در ایران هستند.

تلاش سلطنت‌طلبان درباره برگزاری رفراندوم هم، نشان می‌دهد که آن‌ها حاضرند با جناح‌هایی از جمهوری اسلامی ائتلاف کنند و مانع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی گردند.

همچنین برخی از گرایشات درونی حکومت و ائمه جمعه سراسر کشور به‌صورت کلی موضعی منفی نسبت به مذاکرات اتخاذ کردند.

روزنامه کیهان، به مدیریت حسین شریعتمداری، در سرمقاله ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ خود، مذاکرات را «تکرار فاجعه برجام» خواند و هشدار داد که آمریکا به دنبال تحمیل محدودیت‌های جدید است. شریعتمداری نوشت: «مذاکره با آمریکا یعنی معامله با دشمن.» کیهان در شماره‌های اخیر خود، تاکید کرده که مذاکرات باید غیرمستقیم بماند و هیچ تصویری از دیدار عراقچی و ویتکاف منتشر نشود، زیرا چنین اقدامی به‌معنای «نرمش در برابر دشمن» است.

روز جمعه ۲۲ فروردین تعداد زیادی از امامان جمعه؛ در اظهاراتی مشابه به نقد مذاکرات پرداخته‌اند. برای مثال: حجت الاسلام لطف‌الله دژکام؛ امام جمعه شیراز، با اشاراتی غیرمستقیم به مذاکرات پرداخته و گفته است: «با توجه به تجربیات گذشته در دوره قبلی ریاست جمهوری ترمپ، تحریم‌ها نمی‌توانند اراده و استقامت ملت ایران را درهم بشکنند و حتی ممکن است فرصت‌های جدیدی را برای توسعه روابط تجاری با سایر کشورها فراهم کنند؛ تحریم‌های فلج‌کننده‌ای که ترمپ در دوره قبلی ریاست جمهوری خود علیه ایران وارد کرد تا ایران شکست خورد و بعد گفت بیش‌تر از ۱۶ ماه ایران دوام نمی‌آورد ولی ما چندین سال کشور را اداره کردیم و اقتصاد را هم تجربه کردیم.»

حجت الاسلام، سید احمد محمودی، امام جمعه موقت اصفهان، درباره مذاکرات گفته است: «در چنین وضعیتی، افرادی که دنبال مذاکره هستند، باید توجه کنند با چه کسی در حال گفت‌وگو هستند. فردی که خود ادعای هرج و مرج و بی‌منطقی را شعار خود قرار داده، چگونه می‌تواند شریک منطقی باشد؟»

حجت الاسلام عبدالنبی موسوی‌فرد، امام جمعه اهواز درباره مذاکرات گفته است: «موضع حقیقی رهبری همان است که قبلاً بود ولی وقتی عده‌ای به دنبال این هستند حضرت آقا موقتاً می‌گویند که بروید مذاکره کنید. مذاکره با امریکا با روحیه استکباری برای این است که می‌خواهد از شما چیزی بگیرد. او الان انرژی هسته‌ای را بهانه کرد بعد قدرت موشکی و بعد مسائل منطقه‌ای را بهانه می‌کند. گام به گام جلو می‌آید و چیزی به شما نمی‌دهد. مذاکره غیرمستقیم توهین صریح به ترمپ است. یعنی او را برای مذاکره مستقیم قبول نداریم.»

احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، به عنوان یکی از جدی‌ترین منتقدان مذاکره گفته است: «اصلاً جمهوری اسلامی و انقلاب هیچ، اگر کسی ایرانی باشد و غیرت ایرانی داشته باشد، نمی‌پذیرد که دست خود را خالی کند، همه پیشرفت‌هایش را تسلیم کند و یک گوشه بنشیند کاسه گدائی دست بگیرد تا امریکا از ما راضی شود. مذاکره با امریکا خلاف غرور ملی است. در برج‌های لعنتی! رفتند، نشستند، حرف زدند، خندیدند، دست در دست هم دادند، شانه به شانه خیابان‌گردی کردند و بعد شما دیدید که امریکا چه کرد. با کمال وقاحت قراردادی را پاره کرد که حتی مصوبه شورای عالی امنیت شده بود. آن‌ها برج‌ها را پیش چشم ملت ایران پاره کردند، حالا ما بیائیم بنشینیم دوباره با همین‌ها مذاکره کنیم؟»

کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، نیز در این باره گفته است: «رهبر انقلاب فرموده‌اند در مذاکره باید انسان مطمئن باشد که طرف مقابل به آنچه متعهد می‌شود، عمل خواهد کرد. دعوت به مذاکره و اظهار به مذاکره، فریب افکار عمومی است. رئیس‌جمهور امریکا از برج‌ها خارج شد و آن را پاره کرد.»

عمده فشارها درباره مذاکرات را می‌توان در سخن نمایندگان دید که نگرانند مذاکرات به شکل مستقیم برگزار شود. آن‌ها تأکید دارند برقراری مذاکرات مستقیم یک اشتباه بزرگ است و باید مراقب بود کشور در دام مذاکره مستقیم با امریکا نیفتد. عمده چهره‌هایی که در ماه‌های اخیر نسبت به مذاکره هشدار داده‌اند این افراد بوده‌اند:

اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اخیراً درباره مذاکرات گفته است: «پاسخ ما به دست امریکائی‌ها رسیده است، اما هنوز برای مجلس پاسخ‌شان مشخص نیست، اما پاسخ ما مشخص است. رسانه‌ها گفتند احتمالاً از شنبه این مذاکره به‌صورت غیرمستقیم انجام می‌شود، چون به هیچ‌وجه مذاکره مستقیم را قبول نداریم. به این دلیل می‌گوئیم غیرمستقیم که باید ضلع سوم باشد تا دقیقاً شاهد باشد که ما چه می‌گوئیم و به چه صورت است و این‌طور نباشد که آنها به دروغ چیز دیگری بگویند. امریکائی‌ها قطعاً بدانند اگر بخواهند تهدید کنند تصمیم بر قطع همین مذاکره غیرمستقیم می‌گیریم.»

علی خضریان، نماینده مردم تهران در مجلس نیز با ذکر این نکته که زمان به ضرر امریکا می‌گذرد، ضمن تأکید بر لزوم غیرمستقیم بودن مذاکرات گفته است: «درک واقعیت‌های صحنه بین‌الملل باعث خواهد شد تا در مذاکره غیرمستقیم پیش‌رو که برخلاف فضاسازی رسانه‌ای دشمن برای ایجاد جنگ روانی، مسبوق به سابقه نیز است، با به رخ کشیدن ضعف‌های ترمپ ۲۰۲۵ به او یادآوری شود که زمان به ضرر امریکا می‌گذرد.»

مجید دوستعلی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۲۰ فروردین ماه در مجلس در نطق میان‌دستور خود گفت: «دشمن مستکبر با شاخ و شانه کشیدن دنبال این است تا مطالبه خود را به ملت عزیز تحمیل کند. اما هیئات من الذله. امروز سخن از مذاکره به میان آمده است. اولاً مذاکره همراه با تهدید و تحمیل نظر که مذاکره نیست. ثانیاً مذاکره با دولتی که عهد شکنی چیره و سلوک آن می‌باشد و تجربه قبلی را مجدداً تجربه کردن امری

پسندیده نیست. مگر اینکه طرف مذاکره ایران در شیوه و سیره خود تجدیدنظر کرده باشد که به نظر می‌آید امری محال باشد. چون ذات استکبار و شیطان با عهد شکنی گره خورده است و اما دنیا بداند و بفهمد که جمهوری اسلامی دنبال خونریزی نیست. آمادگی خود را برای مذاکره، اما به نحو غیرمستقیم اعلام کرده است. قطعاً مذاکره مستقیم در وضعیت فعلی مورد تأیید نیست و باید بر این امر مواظبت جدی نمود. محدوده مذاکرات غیر مستقیم معلوم و مشخص است. محور مسأله هسته‌ای ایران است و دخالت موضوعات دیگر در این مذاکرات موضوعیتی ندارد.»

در هفته‌های اخیر، تجمعات محدودی علیه مذاکرات عمان در ایران وجود داشته؛ با این وجود تصاویر این تجمعات در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده است:

طی هفته منتهی به مذاکرات، در تهران گروهی از دانشجویان اصول‌گرا مقابل وزارت امور خارجه تجمع کردند و شعارهایی مانند «مذاکره با امریکا، خیانت به ملت» سر دادند. آن‌ها خواستار غیرمستقیم ماندن مذاکرات و پرهیز از هرگونه نمایش دوستی بین ایران و امریکا شدند.



مردم قم نیز، روز جمعه ۲۲ فروردین بعد از اقامه نماز، یک راهپیمایی برگزار کرده و علیه مذاکرات و تیم مذاکره کننده پلاکاردهایی در دست داشتند. در یکی از این پلاکاردها نوشته شده بود: «هر آن‌که مذاکره شعارش، استخر فرح در انتظارش.» در برخی دیگر از این پلاکاردها مذاکره ایران و امریکا، وسوسه شیطانی نامیده شده است. مدتی پیش نیز طلاب حوزه علمیه قم تجمعی برگزار کردند و مذاکرات را «مغایر با آرمان‌های انقلاب» دانستند.

به‌طور کلی عمده استدلال‌های مخالفان مذاکره شامل تأکید بر بی‌اعتمادی به امریکا در سایه اتفاقی است که در خصوص برجام رخ داد. همچنین مخالفان مذاکره، نگران توان موشکی ایران هستند. اکنون با آغاز مذاکرات ایران و امریکا پرسش مهم این است که آیا تیم عباس عراقچی در برابر تیم ویتکاف می‌تواند پاسخ‌گوی منتقدان و مطالبه‌گران باشد یا خیر.

عده قلیلی از جمعیت خاص که غالباً زن بودند نیز در مقابل وزارت امور خارجه تجمع کرده و خواستار پایان دادن به مذاکرات شدند. صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این راستا خواستار آن شد که مجوز تجمع یا به کسی داده نشود یا همه طیف‌ها بتوانند مجوز تجمع بگیرند.

پاسدار شمعانی هشدار داد که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، می‌توان بازرسان آژانس را از ایران اخراج کرد و مواد غنی شده را به مناطق امن و نامشخص ارسال کرد.

تمی بروس، سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا در واکنش به این اظهارات علی شمعانی گفت: این سخنان با ادعای جمهوری اسلامی درباره صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای در تضاد است و اخراج بازرسان آژانس، اقدامی تنش‌زا و نشانه‌ای از اشتباه محاسباتی تهران خواهد بود.

صداوسیما نیز اعلام کرد که به مقامات مذاکره کننده اعلام شده بود که هیچ عکس مشترکی بین آن‌ها و امریکائی‌ها نباید منتشر شود.

روزنامه کیهان در هفته گذشته، دو بار خواستار ترور دونالد ترامپ شده بود، اخیراً درخواست نمود که فقط «به شرط لغو تحریم» مذاکره نمایند. حسین شریعتمداری مدیر مسئول این روزنامه اذعان نمود که «مذاکره غیرمستقیم با امریکا» بیرون و خارج از اشراف و اطلاع حضرت آقا صورت نمی‌پذیرد. از این‌روی چنانچه با آن موافق نبودند، از انجام آن جلوگیری می‌فرمودند.

مطالب کیهان در مورد ترور ترامپ بازتاب وسیعی در رسانه‌های امریکائی داشت، فاکس نیوز این مطالب را به‌عنوان نشانه‌ای از بی‌ثمر بودن مذاکرات قلمداد کرد.

این روزنامه امروز نیز نوشته است: بررسی روندهای منتهی به مذاکرات روز گذشته در عمان، افق روشنی را برای توافق با ترامپ متصور نمی‌کند.

حمید رسائی، نماینده نزدیک به طیف دل‌واپس نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در مذاکرات امروز آ عراقچی ده دقیقه دیرتر حضور یافته که کلی روی آن خبرسازی شد، اما در عوضش وقت پایان، ملاقات و مذاکره مستقیم صورت گرفت چرا؟ جناب عراقچی! شما برای مذاکره غیر مستقیم اذن داشتید، این برخورد اصلاً چیز معمولی نیست می‌توانستید مثل شروع، دیرتر محل را ترک و گفت‌وگو نکنید.»

روز دوشنبه نیز در مجلس شورای اسلامی برخی نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری اظهاراتی علیه تیم مذاکره کننده ایرانی و مذاکره با امریکا بیان کردند. البته رئیس مجلس ادعاهای این نماینده را رد کرد و همچنین تاکید کرد که هیچ اقدامی خارج از قانون در جریان مذاکرات انجام نشده است.

این گروه در ارکان مختلف داخلی حضور دارند و می‌دانند توافق ایران و امریکا می‌تواند بساط کاسبی آن‌ها را به هم بزند. کاسبان تحریم سال‌ها از نعمات تحریم بهره برده‌اند و تحریم برای آن‌ها واقعا نعمت و ثروت بوده، که دوست ندارند آن را از دست بدهند. کاسبان تحریم در این سال‌ها راه‌ها و شگردهای رانت‌خواری را آموخته‌اند و به یک غول مافیائی تبدیل شده‌اند، این مافیای بزرگ این روزها اصلی‌ترین مانع مذاکره ایران و امریکا است که پول هم در اختیار دارد و این روزها شاهد تحرکات آن‌ها و پول پاشی آن‌ها برای تحریک افکار عمومی و احساسات جریان‌های حزب‌اللهی هستند.

از زمان خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، ایران برنامه هسته‌ای خود را به طور چشمگیری گسترش داده؛ سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر نصب کرده و غنی‌سازی اورانیوم را تا ۶۰ درصد رسانده که فقط یک قدم با سطح تسلیحاتی فاصله دارد. برآورد می‌شود که تهران در صورت تصمیم به ساخت بمب، طی چند ماه یا حتی چند هفته قادر به تولید آن باشد.

عملیات نظامی اسرائیل علیه نیروهای متحد و یا نیابتی ایران در غزه، لبنان و سوریه و همچنین درگیری مستقیم با ایران، باعث شده برخی مقام‌های جمهوری اسلامی خواستار حرکت به سوی تولید سلاح هسته‌ای شوند.

پیش‌تر کمال خرازی، مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی و وزیر خارجه پیشین ایران، امریکا را به «جنگ روانی» متهم کرده و عباس عراقچی، وزیر خارجه فعلی هم گفته بدون تغییر سیاست فشار حداکثری از سوی واشنگتن، مذاکره مستقیم بی‌فایده است.

عراقچی گفته بود ایران در صورت لغو تحریم‌ها آماده است مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای را از سر بگیرد.

همزمان، ایران همچنان با فشار تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده مواجه است که پس از خروج امریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ دوباره اعمال شدند. این تحریم‌ها باعث شده‌اند تا اقتصاد ایران با چالش‌های عمیقی روبه‌رو شود و همین مسأله انگیزه‌ای مضاعف برای بازگشت به میز مذاکرات برای تهران ایجاد کرده است.

در گزارشی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً منتشر کرده، آمده است که ایران بیش از ۲۷۴ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد در اختیار دارد. این سطح از غنی‌سازی، فاصله اندکی با حد ۹۰ درصدی دارد که برای ساخت سلاح هسته‌ای لازم است و همین موضوع نگرانی‌های بین‌المللی را افزایش داده است.

ایران همچنین در ماه دسامبر گذشته، اعلام کرد که اقدام به تغذیه نسل جدیدی از سانتریفیوژها در سایت فوردو کرده است؛ اقدامی که در بلندمدت می‌تواند سرعت تولید اورانیوم غنی‌شده را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود، نسبت به این تحولات ابراز «نگرانی عمیق» کرده است. برخی ناظران بر این باورند که این دور مذاکرات، اگرچه به احتمال زیاد منجر به یک توافق فوری نخواهد شد، اما می‌تواند دریچه‌ای برای بازگشت به مسیر دیپلماسی گشوده و زمینه را برای مراحل بعدی فراهم کند.

همزمان در تهران گفته می‌شود که در مذاکرات روز شنبه میان دو هیأت ایرانی و امریکائی، ۳۰ درصد راه دشوار طی شد و هفته آینده، ادامه مذاکرات از همین مرز ۳۰ درصد طی شده آغاز خواهد شد. اطمینان از عبور از مرز ۳۰ درصد در بازار ایران خود را نشان داد و برابری دالر و تومان ایران نزدیک به ۹ هزار تومان به سود ایران پائین آمد و حدس زده می‌شود که این سقوط قیمت در هفته آینده سرعت بگیرد.

یک عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران به‌نام «مهرداد عباد» در همین ارتباط روز گذشته گفت:

توافق میان ایران و امریکا می‌تواند در کوتاه مدت وضعیت کنونی اقتصاد ایران را بهبود ببخشد و فضائی را برای تنفس اقتصادی ایجاد کند. انتشار اخبار حاکی از توافق می‌تواند نرخ ارز در بازار آزاد را سرعت ببخشد و تا ۳۰ درصد کاهش دهد. فعلاً انعکاس دور اول مذاکرات منجر به کاهش ۷ درصدی قیمت دالر و دیگر ارزها شده است.



استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور ایالات متحده، می‌گوید گفت‌وگو با ایران درباره دو نکته حیاتی است: میزان غنی‌سازی و راستی‌آزمایی ابعاد نظامی هسته‌ای از جمله برنامه موشکی تهران.

ویتکاف شامگاه دوشنبه ۲۵ فروردین در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز تأکید کرد که ایران نیازی به غنی‌سازی بالاتر از ۳/۶۷ درصد (سطح تعیین‌شده در توافق برجام) ندارد.

او با اشاره به غنی‌سازی‌های ۲۰ و ۶۰ درصدی در ایران گفت: «در برنامه هسته‌ای غیرنظامی، که ادعای آن را می‌کنند، نیازی به فراتر رفتن از ۳.۶۷ درصد نیست.»

ویتکاف نکته دوم حیاتی را «راستی آزمائی ابعاد تسلیحاتی» در برنامه هسته‌ای ایران اعلام کرد و گفت: «این شامل موشک‌ها، انواع موشک‌هائی که ذخیره کرده‌اند، و شامل ماشه بمب می‌شود.»

فرستاده ویژه رئیس جمهور ایالات متحده با تاکید بر این‌که در راستای دستورات دونالد ترامپ به پیش می‌رود گفت: «این‌جا هستیم تا ببینیم آیا می‌توانیم این وضعیت را از طریق دیپلماتیک و با گفت‌وگو حل کنیم. جلسه اول مذاکره با ایران سازنده، مثبت و قانع کننده بود.»

موافقت ایالات متحده با سطح غیرنظامی غنی‌سازی اورانیوم در ایران (۳/۶۷ درصد) در تقابل با خواسته اسرائیل قرار دارد که خواستار بر برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران و نابودی تاسیسات و تجهیزات اتمی آن شده است. جمهوری اسلامی ایران، همواره گفته است که برنامه هسته‌ایش مقاصد صلح‌آمیز دارد؛ با این حال گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هشدار داده که افزایش سطح غنی‌سازی و میزان ذخایر اورانیوم بسیار غنی‌شده در ایران در هیچ کشور دیگری بدون سلاح هسته‌ای سابقه ندارد.

به نوشته گاردین آمریکا به ایران پیشنهاد داده تا ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را به کشوری ثالث مانند روسیه منتقل کند اما احتمالاً تهران با این طرح مخالفت می‌کند. این امر «یکی از موانع اصلی» در مسیر توافق جدید خوانده شده است. روزنامه بریتانیائی «گاردین» روز سه‌شنبه ۱۵ آوریل-۲۶ فروردین، گزارش داد که ایران احتمالاً با پیشنهاد آمریکا مبنی بر انتقال ذخایر اورانیوم با غنای بالا به کشور ثالثی – مانند روسیه – مخالفت خواهد کرد. این پیشنهاد بخشی از تلاش واشنگتن برای محدودسازی برنامه هسته‌ای تهران و جلوگیری از استفاده آن در ساخت سلاح اتمی است. استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه و سرپرست هیأت امریکائی در مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران، شامگاه دوشنبه ۱۴ آوریل-۲۵ فروردین، در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت که راست‌آزمائی برنامه هسته‌ای ایران مبنای اصلی توافق احتمالی در مذاکرات هسته‌ای خواهد بود. استیو ویتکاف توضیح داد که مذاکره با جمهوری اسلامی بر دو محور «راست‌آزمائی برنامه هسته‌ای» و «ابعاد نظامی» آن خواهد بود.

این همان نکته‌ای است که جمهوری اسلامی ایران نه تنها سال‌ها قصد پنهان کردن آن را داشت بلکه با اقداماتی که در زمینه غنی‌سازی اورانیوم تا درجه تسلیحاتی انجام داد، تردیدها را در مورد مقاصد نظامی خود بیش از پیش تقویت کرد.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، این هفته به مسکو می‌رود تا پیش از دور تازه گفت‌وگوها با ایالات متحده در رم، با مقامات روسی درباره آخرین تحولات در زمینه مذاکرات هسته‌ای رایزنی کند. تهران اعلام کرده که گفت‌وگوهای آتی همچنان با میانجی‌گری عمان اما در اروپا برگزار خواهند شد. همزمان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته که این هفته به ایران می‌رود.

به گزارش ایرنا، گروسی در این سفر با عباس عراقچی و همچنین محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران دیدار خواهد کرد. آخرین سفر گروسی به تهران به نوامبر سال گذشته بازمی‌گردد که طی آن از تاسیسات هسته‌ای نطنز و فردو بازدید کرده بود.

قرار است عراقچی در این سفر با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه دیدار و گفت‌وگو کند. مقامات مسکو نیز این دیدار را تأیید کرده، هرچند تاریخ دقیق آن را اعلام نکرده‌اند.

این تحرکات دیپلماتیک در حالی صورت می‌گیرد که ایران و آمریکا پس از هفته‌ها تنش لفظی و تهدید، روز شنبه با میانجی‌گری عمان وارد گفت‌وگو شدند. دو طرف توافق کردند که دور بعدی گفت‌وگوها روز ۱۹ آوریل-۳۱ فروردین،

برگزار شود. منابع مختلفی تأیید کردند که این گفت‌وگوها در شهر رم ایتالیا و همچنین با میانجی‌گری مقامات عمانی برگزار خواهد شد.

آنتونیو تاجانی، وزیر امور خارجه ایتالیا با تأیید این نشست اعلام کرد: «ما درخواست طرف‌های ذی‌ربط را دریافت کردیم، عمان نقش میانجی را ایفا می‌کند و ما پاسخ مثبتی دادیم.»

دلیل تغییر در اظهارات مقام‌های ایران مشخص نیست. روز دوشنبه برخی رسانه‌ها، از جمله خبرگزاری بلومبرگ، به همزمانی مذاکرات ایران و واشینگتن در رم، با حضور جی‌دی ونس، معاون دونالد ترامپ، در پایتخت ایتالیا اشاره کردند.

جورجا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، قرار است روز جمعه در کاخ سفید با دونالد ترامپ دیدار کند و یک روز بعد در رم میزبان جی‌دی ونس خواهد بود.

به گفته مقامات جمهوری اسلامی ایران، موضوع مذاکرات پیش‌روی رم صرفاً در مورد پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌ها خواهد بود. خبرگزاری ایرنا هم در مطلبی نوشته که «نفوذ منطقه‌ای ایران و توانمندی‌های موشکی» از جمله «خطوط قرمز» تهران به شمار می‌روند.



ناو یواس‌اس کارل وینسون

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۲۵، با استناد به تصاویر ماهواره‌ای از استقرار دومین ناو هواپیمابر آمریکا در آب‌های خاورمیانه در آستانه دور بعدی مذاکرات تهران و واشینگتن بر سر برنامه هسته‌ای تهران خبر داد. بر اساس این گزارش، ناو یواس‌اس کارل وینسون و گروه ضربت آن همزمان با حملات هوایی ایالات متحده به بخش‌هایی از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها مورد حمایت ایران در یمن طی شب گذشته تا بامداد سه‌شنبه ۱۵ آوریل در دریای عرب مستقر و فعال شده است.

وینسون به‌عنوان دومین ناو هواپیمابر آمریکا در خاورمیانه به ناو ترومن در آب‌های خاورمیانه می‌پیوندد. ناو وینسون توسط رزمناو موشک‌انداز یواس‌اس پرینستون و دو ناوشکن موشک‌انداز کلاس آرلی برک، به نام‌های یواس‌اس استریت و یواس‌اس ویلیام پی. لارنس، همراهی می‌شود.

ایالات متحده دستور اعزام ناو وینسون به خاورمیانه را برای پشتیبانی از ناو یواس‌اس هری اس. ترومن صادر کرد که از زمان آغاز کارزار آمریکا در ۱۵ مارس، حملات هوایی علیه حوثی‌ها انجام داده است.

فیلم‌های منتشر شده توسط نیروی دریایی آمریکا نشان می‌دهد که ناو وینسون طی روزهای اخیر در حال آماده‌سازی مهمات بوده و جنگنده‌های اف-۳۵ و اف-ای-۱۸ از روی عرشه آن برخاسته‌اند.

ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در بحرین که بر خاورمیانه نظارت دارد، از اظهار نظر درباره جزئیات عملیات ناو وینسون خودداری کرد.

مقامات آمریکایی بارها از کارزار نظامی اخیر علیه حوثی‌ها در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ به‌عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن ایران در مذاکرات استفاده کرده‌اند.

دونالد ترامپ بارها تهدید کرده است که در صورت عدم دستیابی به توافق با تهران، حملات هوایی برای هدف قرار دادن برنامه هسته‌ای ایران را در دستور کار قرار خواهد داد.

مقامات ایرانی نیز هشدار داده‌اند که با توجه به ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود تا میزان نزدیک به سطح تسلیحاتی، در صورت لزوم و تشدید فشارها می‌توانند به دنبال سلاح هسته‌ای بروند.

ترندهای جدید سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران

در میانه تهدیدهای آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و وادار شدن حکومت ایران برای آغاز مذاکرات هسته‌ای، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران مدعی شده است که کسری برق کشور با ساخت نیروگاه‌های جدید هسته‌ای برطرف خواهد شد.

سهم برق هسته‌ای از تولید برق کشور تنها یک درصد است و برای جبران کسری ۲۵ هزار مگاواتی برق ایران باید ۲۵ نیروگاه اتمی در حد و اندازه نیروگاه بوشهر ساخته شود که ساخت خود آن به‌دست روس‌ها دو دهه طول کشید. از طرفی، مجموع تولید برق نیروگاه بوشهر از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۱۱ تاکنون، کلاً ۷۰ تراوات ساعت بوده که ارزش آن در بازارهای منطقه‌ای به شش میلیارد دلار نیز نمی‌رسد.

کارشناسان می‌گویند چنین سطح نازلی از ارزش برق هسته‌ای تولید شده در کشور طی ۱۵ سال گذشته در حالی است که ایران به بهانه تولید برق هسته‌ای دست به غنی‌سازی گسترده اورانیوم زده و تحریم‌های اعمال شده بر کشور طی این دوره، دست کم بین دو تا سه تریلیون دلار زیان مستقیم اقتصادی به کشور وارد کرده است.

جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته بارها اعلام کرده که برنامه راه‌اندازی ۲۰ هزار مگاوات نیروگاه اتمی دارد، اما هیچ اقدامی در این راستا انجام نشده است.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نیز دوباره این ادعا را مطرح کرده و چشم‌انداز تحقق آن را «دراز مدت» خوانده است.

مشخص نیست چرا جمهوری اسلامی ایران با وجود داشتن ۳۰۰ روز آفتابی و مناطق گسترده ساحلی و کوهستانی بادگیر، تمرکز خود را بر روی انرژی‌های خورشیدی و بادی نمی‌گذارد؛ خصوصاً این‌که هزینه تولید برق از این منابع با برق هسته‌ای تقریباً یکسان است.

اخیراً آژانس بین‌المللی انرژی گزارش داد که در سال گذشته ۷۵ درصد از نیروگاه‌های تازه راه‌اندازی شده در جهان طی سال ۲۰۲۴، از نوع تجدیدپذیر بوده‌اند. در مقام مقایسه، سهم نیروگاه‌های اتمی در رشد تولید برق جهان در سال گذشته تنها پنج درصد بود.

ذکر این نکته نیز مهم است که انرژی‌های تجدیدپذیر تنها یک درصد در تولید برق ایران سهم دارند.

از سوی دیگر، رئیس سازمان انرژی اتمی روز جمعه، مدعی شد که یکی از رادیوداروهای ایرانی قادر است ۳۰ نوع سرطان را تشخیص دهد.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، ۲۲ فروردین ۱۴۰۴ محمد اسلامی، ریس سازمان انرژی اتمی روز جمعه در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران که به مناسبت روز ملی فناوری هسته‌ای صورت گرفت، تصریح کرد که یکی از محصولات رادیوداروی ایرانی توانایی تشخیص ۳۰ نوع سرطان را دارد که در سطح جهانی تنها ایران و یکی دو کشور دیگر به این فناوری دست پیدا کرده‌اند.

اسلامی گفت: «آنچه در سازمان انرژی اتمی ایران رونمایی و معرفی می‌شود، صرفاً یک تحقیق دانشگاهی یا گزارشی برای بایگانی در قفسه‌های کتابخانه نیست، بلکه نتایج تحقیقات به‌صورت مستقیم در خدمت مردم قرار می‌گیرد و در مراکز تخصصی مورد بهره‌برداری عملیاتی می‌شود.»

او تصریح کرد: «سازمان انرژی اتمی ایران با توکل بر خداوند متعال، تصمیم گرفته در زمینه تولید رادیوداروها، به‌ویژه در حوزه‌های تشخیص و درمان، گام‌های مهمی بردارد.»

اسلامی خاطرنشان کرد: در بخش تشخیص، افزایش دقت هدف‌گذاری شده تا جامعه پزشکی بتواند سلول‌های سرطانی را با وضوح بیشتری شناسایی کرده و تشخیص دقیق‌تری ارائه دهد.

رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان این‌که یکی از معضلات رایج در بسیاری از خانواده‌ها، بیماران دیابتی هستند تصریح کرد: «خوشبختانه با استفاده از فناوری پیشرفته پلاسما، این مشکل تا حد زیادی برطرف شده است.»

به گفته اسلامی، کلینیک‌های تخصصی درمان زخم با پلاسما راه‌اندازی شده‌اند و در حال توسعه‌اند. حداقل پنج کلینیک جدید دیگر در نقاط مختلف کشور در دست تاسیس است تا خدمات درمانی به بیماران ارائه شود.

همچنین فناوری پلاسماتراپی در درمان برخی از انواع سرطان اثربخشی چشمگیری داشته و توانسته جان بیماران را در مراحل پیشرفته بیماری نجات دهد.

اسلامی تاکید کرد: «در بخش انرژی هسته‌ای نیز، از مهم‌ترین اهداف ما، احداث نیروگاه‌های اتمی بوده است. امروز نیروگاه اتمی بوشهر با ظرفیت هزار مگاوات ساعت در اختیار کشور قرار دارد و تاکنون ۷۲ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید کرده است.»

او ادعای عجیبی هم کرد و گفت: «بیش از ۳۰ کشور امروز متقاضی محصولات ایران هستند.» لازم به یادآوری است که ۲۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۶ آوریل ۲۰۲۰، سخن‌گوی سپاه پاسداران گفته درباره وسیله‌ای که به عنوان یک دستگاه ویروس یاب فوری از راه دور نشان داده شده اطلاعات بیشتری ارائه خواهد شد و خواهان آن شده که درباره آن قضاوت «شتاب‌زده» نشود.

هیچ مرجع علمی عملکرد این دستگاه را تأیید نکرده اما سرتیپ رمضان شریف، سخن‌گوی سپاه، از برنامه برای «تولید انبوه» این دستگاه خبر داده است.

سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، در حالی در مراسمی که تلویزیونی پخش شد این وسیله ادعائی را عرضه کرد که وزارت بهداشت ایران می‌گوید عملکرد آن را تأیید نکرده است.

کیانوش جهانپور، سخن‌گوی وزارت بهداشت ایران، گفته است: «اگر این دستگاه از سوی وزارت بهداشت تأیید شده بود حتماً در گزارش رونمایی آن اعلام می‌شد. مرجع تأیید وزارت بهداشت است... این دستگاه را سازمان غذا و دارو تأییدیه‌ای نداده است.»

با شیوع کرونا در ایران، مروجان «طب اسلامی» گه‌گاه با کشفی تازه برای مبارزه با کرونا خبرساز می‌شوند. پس از تبلیغ روغن بنفشه، حکیمی این‌بار از «ادرار شتر» رونمایی کرد.

به دنبال شیوع ویروس کرونا در ایران، کانال تلگرام عباس تبریزیان، روحانی که خود را پدر «طب اسلامی» خوانده از موثر بودن روغن بنفشه برای درمان خبر داد.

مقامات وزارت بهداشت و پزشکان در ایران گفته‌اند استفاده از این روغن تاثیری برای درمان ندارد و ادعاهای مطرح شده جنبه علمی ندارند.

هنوز زمان زیادی از تجویز استعمال «روغن بنفشه» از سوی عباس تبریزیان که با عنوان «پدر طب اسلامی» شناخته می‌شود و جنال شاگرد او، شیخ مرتضی کهنسال که برای شفای بیماران کرونایی، با انگشت به دهان و دماغ مبتلایان کرونا «عطر پیامبر» می‌مالید نگذشته بود که «حکیم مهدی سبیلی»، یکی دیگر از متخصصین «طب اسلامی» و مدیر «انجمن علمی و آموزشی طب الصادق»، یافته‌اش در مقابله با کرونا را به نمایش گذاشت: نوشیدن ادرار شتر.

عباس تبریزیان، پیش از تبلیغ روغن بنفشه برای درمان کرونا، در جمع هوادارانش، کتاب «اصول طب داخلی هاریسون»، یکی از کتاب‌های درسی شناخته‌شده آموزش پزشکی را به آتش کشیده بود.

نتیجه‌گیری

نماینده ویژه دونالد ترامپ و رئیس هیأت امریکائی در مذاکره با ایران می‌گوید: «ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را متوقف کرده و از بین ببرد.» استیو ویتکاف روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین در پستی در شبکه ایکس تاکید کرد که «توافق با ایران تنها در صورتی نهائی خواهد شد که یک توافق ترمپی باشد.»

علی خامنه‌ای هم روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین که در دیدار جمعی از مسؤولان ارشد قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی سخنرانی می‌کرد، در عین حال از مقامات خواسته تا مسائل کشور را به گفت‌وگوها «گره» نزنند و مدعی شده که در دوران برجام، «کشور را شرطی کردیم و همه چیز را منوط کردیم به پیشرفت مذاکرات.» او افزود: «به این گفت‌وگوها نه به‌صورت افراطی خوشبین هستیم و نه به‌صورت افراطی بدبین.»

خامنه‌ای اضافه کرد: «بالاخره کاری و حرکتی است که تصمیم‌گیری شده و در قدم‌های اول هم خوب اجرا شده است. البته به طرف مقابل خیلی بدبین هستیم اما به توانائی‌های خودمان خوش‌بین هستیم.»

رئیس جمهوری اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود، با بیان این‌که «مذاکرات ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد»، تاکید کرد که «خطوط قرمز برای ما و برای طرف مقابل کاملاً روشن است.» او توضیحی در این زمینه نداد، اما علی محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران، روز سه‌شنبه گفت که «امنیت ملی و قدرت دفاعی و نظامی جزو خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران است که در هر شرایطی درباره آن گفت‌وگو و مذاکره نمی‌شود.»

هنوز بسیار زود است تا از نتیجه و موفقیت یا عدم موفقیت مذاکرات ایران و امریکا سخن گفت اما می‌توان دو فرضیه را در نظر گرفت: ۱- نوشیدن جام زهر توسط خامنه‌ای مانند خمینی در جریان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸؛ ۲- حمله به ایران با فشارهای اسرائیل.

خمینی تا چند روز قبل از اعلام پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، همچنان بر طبل ادامه جنگ می‌کوبید و شعار جنگ‌جنگ تا پیروزی و جنگ‌جنگ تا رفع فتنه در عالم می‌داد و سخن از صلح گفتن را خیانت به رسول‌الله می‌دانست.

اکنون جمهوری اسلامی یکبار دیگر در شرایط سال ۱۳۶۷ قرار گرفته و هیچ راهی جز سر کشیدن جام زهری دیگر و اعلام تعطیلی فعالیت‌های اتمی ندارد. این اقدام البته می‌تواند ایران را از احتمال ورود به جنگی ویرانگر با امریکا و اسرائیل و متحدان آن‌ها حفظ کند.

البته اکنون جامعه ایران و جهان نسبت به سال ۱۳۶۷ بسیار تغییر کرده است. جمهوری اسلامی پایگاه مردمی خود را از دست داده و اکنون اکثریت مردم ایران مخالف این حکومت هستند. ایران به بحران‌های سیاسی و اقتصادی و منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو است. اکنون نیروهای نیابتی‌اش به شدت تضعیف شده است؛ در نتیجه هیچ کارت برنده‌ای در دست ندارد که در مذاکره با آمریکا رو کند.

در واقع روابط ایران و آمریکا از آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با تنش‌های ساختاری، تحریم‌ها، و اختلافات ایدئولوژیک همراه بوده است. البته ریشه‌های این تنش تاریخی طولانی‌تر از این دارد. خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و تشدید تحریم‌ها، شکاف اعتماد را عمیق‌تر کرد. هسته اصلی مذاکرات کنونی، احیای برجام یا توافق جایگزین است؛ اما آمریکا خواستار محدودیت‌های فراتر از برجام بر برنامه هسته‌ای، دفاعی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران است، در حالی که ایران بر لغو یکباره تحریم‌ها و تضمین‌های پایدار تاکید دارد. این تقابل، احتمال توافق را به شدت کاهش می‌دهد.

همان‌طور که در بالا اشاره کردم به‌نظرم اگر جنگی درنگیرد و در مقابل تحریم‌ها تعلیق و یا برداشته شود به نفع مردم است. از سوی دیگر، مبارزه و مقاومت انقلابی در شرایطی رشد می‌کند که درجه‌ای از رفاه و آزادی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در شرایط جنگی و ویرانی، فقر و نداری، هر کس به فکر زنده ماندن می‌افتد و چندان همبستگی و مبارزه انقلابی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، اگر وضعیت ایران به حالت نرمال برگردد مبارزه طبقاتی کارگران و سایر جنبش‌های اجتماعی، شفاف‌تر و جدی‌تر و هدفمندتر به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

در چنین روندی، گرایش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوائی به‌ویژه گروه‌های سلطنت‌طلب به حاشیه رانده می‌شوند و نمی‌توانند به انقلاب مردم ضربه بزنند. هنوز بخش آگاه جامعه فراموش نکرده است که در دوران جنبش «زن، زندگی، آزادی»، همین گروه‌های سلطنت‌طلب با همکاری برخی گروه‌های ناسیونالیستی از جمله کردی چه ضربه‌ای به این جنبش زدند.

اگر روابط جمهوری اسلامی با دنیای غرب به حالت عادی برگردد و جنگی رخ ندهد اپوزیسیون بورژوائی ایران و در راس همه سلطنت‌طلبان خواهند سوخت و به کسب و کار تجاری خود بخواهند گشت. صفوف اپوزیسیون سرنگونی‌طلب در خارج نیز از سنگ‌اندازی و اخلال و ترفندهای این گروه‌ها مصون خواهند شد.

اکنون اصولاً باید متوجه‌ترین آدم‌ها نیز آگاه شده باشند که چه روابط تنگاتنگی بین سلطنت‌طلبان و جمهوری اسلامی در جریان است و این‌ها از طریق رسانه‌هایشان چه ضربه‌ای به جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران می‌زنند.

در هر صورت اجلاس شنبه آینده در رم- پایتخت ایتالیا، نشان خواهد داد که ماجرای گفت‌وگوی تهران و واشنگتن به کدام سو می‌رود؛ نرمش در برابر توافق یا رفتن تا جنگ؟ از این‌رو تا روشن شدن وضع رویکردهای آتی لازم است از تحلیل‌های شتابزده و ساده‌اندیشی‌های سیاسی پرهیز کرد اما در عین حال سیاست ضدجنگ و عدم توهم به توافقات ایران و آمریکا گام برداشت. هرچه هست این که در حال حاضر آسمان خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس را وحشت و نگرانی گرفته است و همگان با وحشت آن را نظاره می‌کنند.

این‌که در دور دوم مذاکرات در رم یا هر پایتخت اروپایی دیگری برگزار خواهد شد آیا دو طرف از مرحله هویج و چماق عبور کرده و به چارچوبی برای توافق احتمالی دست خواهند یافت؟

آنچه که در این میان مهم است و ضرورت دارد در هر شرایطی، فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در داخل و خارج کشور، توجه ویژه‌ای و هدفمندی به مبارزه جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و عادلانه و مرفه است. /

سه‌شنبه بیست و ششم فرودین-حمل- ۱۴۰۴-پانزدهم اپریل ۲۰۲۵